

عنوان مقاله:

کاربست استعاره مفهومی در علوم شناختی معاصر به مثابه چارچوبی نظری در فهم متون اندیشه سیاسی

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 29، شماره 114 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

سیدایمان رضوی - دانشجوی مقطع دکترا

سید حسین اطهری - دانشیار

مهدی نجف زاده - گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

مفهوم استعاره از دیرباز در شاخه‌های گوناگون دانش بررسی شده است؛ این امر بدان معناست که استعاره، برخلاف تصور رایج و عامیانه دیگر تنها به عنوان یک آرایه ادبی مورد توجه نیست، بلکه به موازات رشد دانش در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی بر اهمیت استعاره و جایگاه آن افزوده شده است. در این پژوهش می‌کوشیم با نگاهی تاریخی به سیر استعاره‌پژوهی مبتنی بر دستاوردهای جدید علوم شناختی معاصر و ذیل آن علوم زبان‌شناختی-عصب‌شناختی، نخست تعریفی جدید از استعاره و اهمیت آن ارائه دهیم و سپس با معرفی استعاره به عنوان پایه شناخت، مولفه‌های اساسی علوم شناختی و استعاره شناختی را به مثابه مهم‌ترین رکن این علوم به عنوان چارچوبی نظری در حیطه روش‌شناسی فهم اندیشه (سیاسی) استعاری پیشنهاد کنیم. براساس داده‌های مقاله پیش رو مشخص شد، با توجه به آنکه در چارچوب علوم شناختی معاصر، یکی از بنیادهای اساسی نظام مفهومی ما سازوکار استعاری فهم است، پس اندیشه سیاسی در متون اندیشه سیاسی نیز از قاعده استعاری‌اندیشی پیروی می‌کند؛ براین مبنا فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که با در نظر گرفتن نظریه استعاره مفهومی به مثابه یکی از ارکان اصلی چارچوب نظری علوم شناختی معاصر، پرتویی نو بر فهم دیگرگونه‌ای از مفهوم‌پردازی و استدلال در متون اندیشه سیاسی با ابتناء بر نظریات معاصر استعاره و علوم اعصاب شناختی افکنده می‌شود و مبنایی در روش‌شناسی فهم متون اندیشه سیاسی فراهم خواهد شد.

کلمات کلیدی:

علوم شناختی، زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نگاشت، چارچوب نظری، اندیشه استعاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1662734>

